

بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز، شمال شرق ایران

حسن نامی*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

سیدمهدی موسوی‌نیا

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه نیشابور

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

چکیده

شهرستان درگز در شمال شرقی ایران، در مجاورت کشور ترکمنستان واقع شده است. این موقعیت جغرافیایی و هم‌جواری این منطقه با نسا، به‌عنوان اولین تختگاه اشکانیان، اهمیت و جایگاه این منطقه در تاریخ ایران در دوره اشکانی را نشان می‌دهد. به‌رغم هم‌جواری درگز با ترکمنستان و نسا، مطالعات معدودی راجع به محوطه‌های اشکانی این شهرستان انجام گرفته است. این مورد که چه تعداد محوطه‌های اشکانی در این حوزه جغرافیایی شکل گرفته‌اند؛ چه عواملی در شکل‌گیری و الگوی پراکندگی آن‌ها مؤثر بوده و نهایتاً، تا چه اندازه می‌توان محوطه‌هایی هم‌تراز با نسا در این حوزه جغرافیایی شناسایی و پیشنهاد نمود. در بررسی‌های باستان‌شناسی درگز ۸۵ محوطه اشکانی شناسایی گردیده است که از منظر الگوهای محیطی و وسعت محوطه‌ها، قابل‌تأمل و ارزیابی است. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود این محوطه‌ها از منظر الگوهای محیطی مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. به‌علاوه، تلاش می‌شود با استناد به مؤلفه‌های محیطی و وسعت، محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز خوشه‌بندی گردد. بدین منظور مختصات جغرافیایی این محوطه‌ها به همراه وسعت آن‌ها در برنامه GIS مورد ارزیابی قرار گرفت. خروجی نقشه‌های GIS محوطه‌های اشکانی منطقه نشان داد از فاکتورهای محیطی مؤثر در شکل‌گیری این محوطه‌ها، سه فاکتور منابع آب، جاده‌های ارتباطی و ناهمواری در نحوه شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز بیشترین تأثیر را داشته است. به‌علاوه، سه خوشه برای محوطه‌های اشکانی دشت درگز پیشنهاد گردید. دو محوطه توفی و شهرتپه، محوطه‌های مرکزی دو خوشه A و B پیشنهاد گردید. به‌علاوه پیشنهاد گردید خوشه C معرف محوطه‌های کوچ‌روی دوره اشکانی در دشت درگز بوده است. نهایتاً بر اساس اهمیت دو محوطه توفی و شهرتپه، جایگاه این دو محوطه در مطالعات باستان‌شناسی شمال شرق ایران در دوره اشکانی تبیین گردیده است.

واژه‌های کلیدی: درگز، دوره اشکانی، فاکتورهای محیطی، خوشه‌بندی، شهرتپه، توفی

۱. مقدمه

شهرستان درگز در شمال شرقی استان خراسان رضوی در حاشیهٔ مرزی جمهوری اسلامی ایران و ترکمنستان واقع شده است (نقشه ۱). این شهرستان از شمال با کشور ترکمنستان، از جنوب و جنوب شرق با شهرستان‌های چناران و مشهد، از شرق با شهرستان کلات و از غرب و جنوب غرب با شهرستان قوچان مرز مشترک دارد (خامیان: ۱۳۸۰: ۴۳۵-۴۳۶). این شهرستان با مساحت بالغ بر ۳۵۲۶ کیلومترمربع، بین ۳۷ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۷ دقیقه طول شمالی، با میانگین ارتفاعی ۱۳۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است (فرهنگ آبادی‌های کشور، درگز: ۱۳۶۵: ۱). یکی از مهم‌ترین و مبهم‌ترین حوزه‌های جغرافیایی تاریخ اشکانیان، حوزه شمال شرق ایران فرهنگی است. با نگاهی به رویدادهای سیاسی اوایل دوره اشکانی، نقش این حوزه جغرافیایی در شکل‌گیری و رشد و نمو حکومت اشکانی به‌خوبی قابل مشاهده است. به‌نحوی که با اطمینان می‌توان این حوزه جغرافیایی را بستر بخش عمده‌ای از رویدادهای صدسال اول حکومت اشکانیان تلقی نمود. یکی از نتایج رویدادهای سیاسی اوایل دوره اشکانی، از جمله درگیری‌های نظامی بعد از برکناری و مرگ فراتافرنس ساتراپ ایرانی هیرکانیا و پارثوا و اختلافات یونانیان و مقدونیان، هجوم و تاخت‌وتاز قبایل بیابان‌گرد آسیای مرکزی از جمله قبایل پرنی به مرزهای شمال شرقی ایران بود (بویل، ۱۳۶۸: ۱۱۲-۱۱۱؛ رابینسون، ۱۳۷۰: ۴۲۶؛ ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۶؛ گوتشمید، ۱۳۸۲: ۳۲). گستردگی این تهاجمات که تلویحاً نشان‌دهنده قدرت نظامی بیابان‌گردان آسیای مرکزی نیز بود باعث گردید اقتدار و سیطره سلوکیان در شرق آسیای پذیر گردد (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۱۴۲؛ Bivar, 1972: 571-575) و میراث اسکندر تنها مدتی بعد از وی، با یک گسست مواجه شده و به تدریج زمینه سقوط سلوکیان در شرق فراهم گردد. کمی بعد، آندراگوراس ساتراپ وقت ایالت پارت از درگیری سلوکیان و دودمان بطلمیوسی مصر استفاده و با ضرب سکه اعلام استقلال نمود (دبواز، ۱۳۴۲: ۴۱). به‌رغم درگیری‌های نظامی بین سلوکیان و بیابان‌گردان آسیای مرکزی، این قبایل هیچ‌گاه دست از تجاوز برداشتند و همین عامل در آینده‌ای نزدیک جغرافیای سیاسی شرق را با تغییرات اساسی روبرو نمود. کمی بعدتر، در حدود ۲۵۰ ق.م، قبایل پرنی به سرکردگی ارشک (۲۴۷-۲۵۰ ق.م) به متصرفات شرقی سلوکیان حمله کردند. آن‌ها ابتدا به نسا در درهٔ اترک وارد شدند و به تدریج شروع به گسترش قلمرو حکمرانی خود نمودند و در محلی به نام آساک (*Asaak*) ارشک را به پادشاهی برگزیدند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۴۲). ظاهراً قبایل پرنی بعد از استقرار در شهر آساک، در حوالی سال ۲۵۰ ق.م به رهبری ارشک و برادرش تیرداد (۲۱۴-۲۴۷ ق.م) و پنج نفر از روسای دیگر قبایل، ناحیه علیای رود تجند را اشغال کردند (گیرشمن، ۱۳۶۴: ۲۸۴). آن‌ها اندکی بعد، در حدود مهروموم‌های ۲۳۹-۲۳۸ ق.م وارد ایالت پارت شدند و آندراگوراس یونانی را از میان برداشته و خود را خودمختار خواندند (دیاکونف، ۱۳۵۱: ۴۲). کمی بعد احتمالاً در سال ۲۳۵ ق.م ارشک، هیرکانیا و کومیس (*Komicene*) را نیز به متصرفات خود افزود. دو سال پس از پیروزی بر آندراگوراس، ارشک در جنگی کشته شد (بویل، ۱۳۶۸: ۱۳) و بردارش تیرداد جانشین او گردید. حوزه تصرف اشکانیان تقریباً تا صدسال تقریباً همان نواحی پارت و هیرکانیا بود. تا اینکه در زمان مهرداد اول (۱۳۸-۱۷۱ ق.م) و مهرداد دوم (۸۷-۱۲۴ ق.م)، اشکانیان به یکی از مهم‌ترین قدرت‌های سیاسی شرق باستان تبدیل شدند. حکومتی که بخش عمده‌ای از هویت آن، به شمال شرق ایران فرهنگی بازمی‌گردد.

با این پیش‌زمینه تاریخی، به نحو بهتری می‌توان اهمیت درگز و جایگاه این حوزه جغرافیایی را در تاریخ اشکانیان، بالأخص در اولین سال‌های شکل‌گیری و گسترش این سلسله درک نمود. لذا، با عنایت به مجاورت جغرافیایی درگز با

ترکمستان و نسا به‌عنوان خاستگاه اشکانیان، یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه بالقوه می‌تواند در فهم بهتر باستان‌شناسی اوایل دوره اشکانی و گسترش تدریجی قلمرو اشکانیان راهگشا باشد. با استناد به بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان درگز، ۸۵ محوطه از دوره اشکانی در این منطقه شناسایی شده است. این تعداد از محوطه‌های اشکانی در این محدوده جغرافیایی به‌خوبی نشان می‌دهد درگز در دوره اشکانی از شکوفایی نسبی برخوردار بوده است. در نوشتار حاضر تلاش گردیده است با قرار دادن محوطه‌های اشکانی درگز در بافت محیطی آن‌ها، الگویی از عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی به دست آید. به‌علاوه، با استناد به وسعت تقریبی محوطه‌ها و مواد فرهنگی سطحی، تلاش گردیده است محوطه‌های اشکانی دشت درگز خوشه‌بندی و الگوهای مؤثر بر این خوشه‌بندی ارائه گردد.

۲. پیشینه مطالعات باستان‌شناسی درگز

مطالعات باستان‌شناسی در شهرستان درگز، هنوز در مراحل ابتدایی است. به نظر می‌رسد کاپیتان ناپیر ایتالیایی، اولین جهانگردی است که در قرن نوزدهم میلادی از درگز بازدید کرده و توصیفات جغرافیایی راجع به منطقه درگز ارائه کرده است. وی در مقاله‌ای که در مجله *انجمن جغرافیایی سلطنتی لندن* انتشار داده است، نقشه‌هایی از خراسان بزرگ ارائه کرده که می‌توان موقعیت جغرافیایی درگز را در آن مشاهده و مشخص نمود (*Napier and Kazi, 1876: 62-63*). سر هنری راولینسون نیز در فصل دهم کتاب خود تحت عنوان "راه‌ها به مرو"، به موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های جغرافیایی و اهمیت ژئواستراتژیک این ناحیه اشاره کرده است (*Rawlinson, 1879: 161-191*). تحقیقات هنری فرانکفورت را می‌توان اولین مطالعه باستان‌شناسی درگز تلقی نمود. نامبرده در سال ۱۹۲۴ از درگز بازدید کرده است. مطالعات وی در مورد درگز در کتاب "کنکاشی بر اولین گونه‌های سفالی خاور نزدیک"، انتشار یافته است (*Frankfort, 1927: 84-83*). دیگر مطالعات باستان‌شناسی درگز به سال ۱۳۴۵ ه.ش و بررسی مرحوم نگهبان در این منطقه بازمی‌گردد (نگهبان، ۱۳۴۵). خلاصه‌ای از این بررسی و گزارش، به قلم رجبعلی لباف خانیکی در مقاله‌ای تحت عنوان "سهم دکتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان" در یادنامه "به یاد نگهبان" در شماره ۴۵ مجله باستان‌شناسی و تاریخ به سال ۱۳۸۷ هجری چاپ گردیده است (لباف خانیکی، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۹۹). بازدید و بررسی فیلیپ کوهل و دنیس هیسکل از درگز در شهریور و آبان ۱۳۵۷ ه.ش، بخش دیگری از مطالعات باستان‌شناسی این منطقه است. نامبردگان در این مدت از درگز بازدید کردند و گزارش کوتاهی از این بازدید را در شماره ۱۸ مجله ایران در سال ۱۹۸۰ چاپ نمودند (*kohl and Hesel, 1980: 160-172*).

مطالعات باستان‌شناسی شهرستان درگز با کاوش‌های مهدی رهبر در بندیان وارد مرحله جدیدی گردید. در نتیجه دو فصل کاوش‌های باستان‌شناسی نامبرده در بندیان، بقایای یک دستگرد دوره ساسانی، احتمالاً هم‌زمان با حکمرانی بهرام پنجم (۴۲۰-۴۳۸ م.) کشف و شناسایی گردید (*Rahbar, 1998: 213-250*). *Rahbar, 2004: 7-30*; *Rahbar, 2007: 455-473*; *Rahbar, 2008: 15-40*). شهرستان درگز در سال ۱۳۷۵ ه.ش توسط آقای محمود بختیاری شهری کارشناس سازمان میراث فرهنگی خراسان رضوی، مورد بررسی باستان‌شناسی قرار گرفت. نامبرده در گزارش منتشر نشده خود تحت عنوان "بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز"، برخی از محوطه‌های این شهرستان را توصیف و برای اولین بار معرفی نمود

(بختیاری شهری، ۱۳۷۵). عمران گاراژیان یک سال بعد در سال ۱۳۷۶، در راستای تکمیل رساله کارشناسی ارشد خود تحت عنوان "بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های پیش‌تاریخی حاشیه رودخانه درونگر واقع در شمال شرق استان خراسان" برخی از محوطه‌های این منطقه را مجدداً بررسی کرد (گاراژیان، ۱۳۷۷). داده‌های پیش‌تاریخی به دست آمده از بررسی‌های این شهرستان، قالب رساله کارشناسی ارشد آقای سعید باقی زاده در دانشگاه آزاد تهران مرکز تحت عنوان "بررسی و مطالعه الگوهای پراکنش پیش‌تاریخ دشت درگز از دوران نوسنگی تا پایان عصر آهن IV" گردید (باقی زاده، ۱۳۹۱؛ یوسفی زشک و باقی زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۷). شهرتپه، محوطه محوری این تحقیق نیز خود بخش دیگری از مطالعات باستان‌شناسی شهرستان درگز است. علی حسن‌آبادی، کارشناس سازمان میراث فرهنگی استان خراسان رضوی در سال ۱۳۸۸ اقدام به تعیین عرصه و پیشنهاد حریم محوطه نمود. حسن نامی نیز در تابستان ۱۳۹۵ در راستای تکمیل مطالعات باستان‌شناسی شهرتپه، عرصه و حریم این محوطه را مورد بازنگری قرار داد (نامی، ۱۳۹۵). نامبرده به علاوه، شهرستان درگز را مجدداً مورد بررسی قرار داد. داده‌های این بررسی و داده‌های یافت شده از کاوش شهرتپه، قالب مواد فرهنگی رساله دکتری وی تحت عنوان "بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های اشکانی دشت درگز با تکیه بر نتایج کاوش شهرتپه چاپشلو" گردید.

۳. بررسی باستان‌شناسی دشت درگز

از بررسی‌های باستان‌شناسی انجام گرفته در درگز محوطه‌هایی از دوران تاریخی شناسایی شده است: ۳ محوطه در بررسی نگهبان (نگهبان، ۱۳۴۵: ۳۷-۳۶)، ۱۸ محوطه تاریخی در بررسی کوهل و هیسکل (Kohl and Heskell, 1980: 160-172)، ۵۴ محوطه در بررسی بختیاری (بختیاری شهری، ۱۳۷۵) و ۶ محوطه تاریخی در بررسی یوسفی (باقی زاده، ۱۳۹۱؛ یوسفی زشک و باقی زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۷). حسن نامی نیز به عنوان بخشی از رساله دکتری، دشت درگز را مورد بررسی باستان‌شناسی قرار داد. در نتیجه این بررسی، ۸۵ محوطه از دوره اشکانی شناسایی گردید. مبنای این تاریخ‌گذاری قطعات سفال سطح محوطه است که از نظر گونه‌شناسی با قطعه سفال‌های یافت شده از محوطه‌های اشکانی نسا (Cellerino, 2008)، مرو (Usmanova, 1963)، چارسدا (Wheeler, 1962)، شمشیر غار (Duprree, 1958)، آی خانم (Bernard, 1967)، بردسیر (خسروزاده، ۱۳۸۶)، دمبکوه (Basafa, 2008)، تل اسپید (Potts and Roustaei, 2006)، قومس (هرینک، ۱۳۷۶)، بیستون (Kleiss, 1970) و ... قابل مقایسه است. از ۸۵ محوطه اشکانی دشت درگز، ۳۶ محوطه در بخش مرکزی، ۱۵ محوطه در بخش لطف‌آباد، ۱۵ محوطه در بخش چاپشلو و ۱۹ محوطه در بخش نوخندان واقع شده است. تلاش گردید با مبنا قرار دادن پراکندگی مواد فرهنگی محوطه‌ها، وسعت تقریبی این محوطه‌ها نیز مشخص گردد. بر این اساس، محوطه‌های اشکانی دشت درگز از نقطه نظر وسعت بدین قرار است: ۶۲ محوطه کمتر از یک هکتار، ۱۴ محوطه بین ۱ تا ۳ هکتار، ۶ محوطه بین ۳ تا ۵ هکتار، ۱ محوطه بین ۵ تا ۱۰ هکتار (۷ هکتار) و ۲ محوطه بیش از ۱۰ هکتار وسعت دارند. بر اساس وسعت ذکر شده، احتمالاً اغلب محوطه‌های اشکانی درگز روستاهایی کوچک بوده‌اند و تنها دو محوطه بزرگ بالای ده هکتار در بین این محوطه‌ها دیده می‌شود. این دو محوطه توقی با ۴۸ هکتار و شهر تپه با ۷۰ هکتار است. راجع به این دو محوطه که احتمالاً محوطه‌های مرکزی اشکانیان در

درگز هستند به همراه دیگر محوطه‌های اشکانی این درگز (احتمالاً روستاها و محوطه‌های کوچرو پیرامون این دو محوطه) در مبحث خوشه‌بندی و تعیین الگوی مکان مرکزی استقرارها، به تفصیل اشاره خواهد شد.

۴. متغیرهای محیطی و الگوی پراکندگی محوطه‌ها

شناخت مشخصات جغرافیایی محوطه‌های باستانی و فهم چگونگی پراکندگی آن‌ها در پهنشدت، در بازسازی بخش‌هایی از تاریخ مناطق مختلف مؤثر است. بدین دلیل امروزه در بسیاری از تحلیل‌های باستان‌شناسی، جغرافیا عامل مهمی در درک بهتر محوطه‌ها و الگوهای مؤثر بر شکل‌گیری و پراکندگی آن‌ها محسوب می‌شود (مترجم، ۱۳۸۷: ۸-۷). با توجه به قابلیت استخراج اطلاعات از محوطه‌های باستانی با قراردادن این محوطه‌ها در بافت محیطی، بخشی از نوشتار حاضر به ارزیابی محوطه‌های اشکانی در پهنشدت محیطی آن‌ها معطوف گردیده است. از جمله این قابلیت‌ها می‌توان به درک الگوهای محیطی حاکم بین محوطه‌ها، الگوهای مؤثر در شکل‌گیری محوطه‌ها، خوشه‌بندی محوطه‌ها و الگوی مکان مرکزی آن‌ها اشاره نمود. در ادامه ضمن بیان مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری محوطه‌ها و تبیین آن‌ها، خوشه‌بندی محوطه‌های اشکانی دشت درگز بیان می‌گردد. از مهم‌ترین عوامل محیطی مؤثر در شکل‌گیری محوطه‌ها می‌توان به ناهمواری‌ها، منابع آب، کاربری اراضی، راه‌ها، شیب و جهت شیب اشاره کرد. این عوامل در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها، تأثیر و اهمیت متفاوتی دارند. یکی از مهم‌ترین فاکتورهای مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها، ناهمواری است. محوطه‌های باستانی، بسته به اهداف ساخت آن‌ها، در مناطق کوهستانی، کوهپایه‌ها و یا دشت شکل می‌گیرند. با قرار دادن محوطه‌ها در یک پهنشدت محیطی، می‌توان الگوهای محیطی حاکم بر پراکندگی آن‌ها را مشخص نمود. یکی از نمودهای این الگوهای محیطی، ناهمواری است. از ۸۵ محوطه اشکانی درگز، ۲ محوطه در مناطق مرتفع با ارتفاع بیش از ۱۲۰۰ متر، ۳ محوطه در مناطق نسبتاً مرتفع بین ۹۰۰-۱۲۰۰ متر، ۵۰ محوطه در مناطق کوهپایه‌ای با ارتفاع بین ۹۰۰-۶۰۰ متر و ۳۰ محوطه در دشت در ارتفاع کمتر از ۶۰۰ متر شکل گرفته است. از نکات جالب توجه در این مورد، شکل‌گیری بخش عمده‌ای از این محوطه‌ها در دشت درگز است. در مقابل، تنها پنج محوطه در کوهستان‌های درگز شکل گرفته است. شهرستان درگز یک دشت میان کوهی است؛ لذا انتظار وجود محوطه‌های تاریخی در مناطق مرتفع این شهرستان دور از انتظار نیست. با این وصف، درصد بسیاری کمی (۶ درصد) از محوطه‌های اشکانی این شهرستان در مناطق کوهپایه‌ای شکل گرفته است. این محوطه‌ها نیز از منظر کاربری قابل ارزیابی است. تمامی محوطه‌های شکل گرفته در مناطق کوهپایه‌ای شهرستان درگز، محوطه‌هایی با کاربری مسکونی (احتمالاً روستایی) هستند؛ به عبارت دیگر، هیچ‌یک از محوطه‌های شکل گرفته در مناطق کوهستانی شهرستان درگز کاربری نظامی نداشته‌اند. این مورد از این رو حائز اهمیت است که شهرستان درگز در مجاور کوه‌های زرین کوه و بیابان قره‌قوم واقع شده و با توجه به موقعیت جغرافیایی استراتژیک آن، انتظار وجود این طیف محوطه‌ها، منطقی به نظر می‌رسد. امروزه کوه‌های زرین کوه مرز بین دو کشور ایران و ترکمنستان است. این مورد احتمالاً در بررسی دقیق باستان‌شناسی رشته‌کوه‌های هزار مسجد تأثیر گذاشته است. به عبارت دیگر احتمال می‌رود در این رشته‌کوه، قلاع نظامی-دفاعی وجود داشته و تاکنون شناسایی نشده است. لازم به ذکر است قلعه‌های نظامی-دفاعی در رشته‌کوه الله‌اکبر و هزارمسجد که امروزه در درون مرز ایران قرار گرفته نیز شناسایی نشده است. بر این اساس

شاید بتوان با اندکی احتیاط، الگوی نبود ساختارهای دفاعی-نظامی را به رشته‌کوه‌های زرین کوه نیز تعمیم داد. قرارگیری این شهرستان در مجاور بیابان قره قوم، که همواره یکی از مناطق استقرار اقوام بیانگرد و مهاجم آسیای مرکزی بوده است، چرایی نبود احتمالی ساختارهای دفاعی-نظامی در رشته‌کوه‌های مسلط به این بیابان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. به نظر می‌رسد پاسخ به پرسش فوق، تا بررسی دقیق باستان‌شناسی رشته‌کوه‌های زرین کوه، الله‌اکبر و هزار مسجد، امکان‌پذیر نخواهد بود.

همان‌گونه که قبل‌تر اشاره شد، ۷۸ محوطه از ۸۵ محوطه اشکانی درگز در دشت شهرستان شکل‌گرفته است. در این بخش از شهرستان، به دلیل مساعد بودن بسترهای محیطی، قابلیت شکل‌گیری و گسترش استقرارهای کوچک و بزرگ وجود دارد. احتمالاً به دلیل همین بسترهای مساعد محیطی بخش عمده‌ای از محوطه‌های اشکانی درگز در دشت شکل‌گرفته است (نقشه ۲ و نمودار ۱). در ادامه در مبحث جداگانه‌ای به بسترهای مساعد محیطی شکل‌گیری محوطه‌ها از جمله منابع آب، اراضی مساعد، جاده‌های ارتباطی و ... پرداخته خواهد شد. یکی از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها، منابع آب است. با توجه به نقش آب در شکل‌دهی به سکونتگاه‌های انسانی، انتظار می‌رود محوطه‌های اشکانی دشت درگز نیز اغلب متأثر از منابع آب‌های شهرستان شکل‌گرفته و پراکنده شده باشند. از میان منابع آب‌های دشت درگز، محوطه‌های اشکانی این منطقه از منظر نزدیکی به رودخانه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین رودخانه‌های دشت درگز رودخانه‌های درونگر، زنگلانلو، گرنی، دوآبی و لاین سو هستند. از ۸۵ محوطه اشکانی دشت درگز، ۴۲ محوطه (۵۰٫۶ درصد) در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری این رودخانه‌ها شکل‌گرفته‌اند. این مورد نقش رودخانه‌ها را در شکل‌دهی و پراکندگی محوطه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد. ۱۹ محوطه (۲۲٫۸ درصد) نیز بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری رودخانه‌های شهرستان واقع شده‌اند. به علاوه، ۱۴ محوطه (۱۶٫۸ درصد) بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متری، ۷ محوطه (۸٫۴ درصد) بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری، ۱ محوطه (۱٫۲ درصد) بین ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متری، ۱ محوطه (۱٫۲ درصد) بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متری و ۱ محوطه (۱٫۲ درصد) نیز در فاصله بیش از ۳۰۰۰ متری رودخانه‌های دائمی وجود دارد (نقشه ۳ و نمودار ۲). با استناد به موارد فوق، رودخانه‌های دشت درگز در شکل‌گیری و نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی این منطقه عامل مهمی محسوب می‌شود، به نحوی که بیش از نیمی از محوطه‌های اشکانی این منطقه در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری رودخانه‌ها ایجاد شده است.

یکی دیگر از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های باستانی، نوع کاربری زمین‌ها است. در این رابطه قرارگیری محوطه‌ها در کاربری‌های متفاوت، می‌تواند به ما در درک بهتر عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه کمک کند. ۳ محوطه (۳٫۶ درصد) از ۸۵ محوطه اشکانی در مناطق شهری امروزی، ۶ محوطه (۷٫۲ درصد) در باغات، ۶۸ محوطه (۸۱٫۹ درصد) در مزارع، ۲ محوطه (۲٫۴ درصد) در جنگل‌های تنک، ۲ محوطه (۲٫۴ درصد) در مراتع خوب، ۱ محوطه (۱٫۲ درصد) در مراتع متوسط تا فقیر و ۳ محوطه (۳٫۶ درصد) در سایر مراتع پراکنده شده است. اغلب محوطه‌های اشکانی درگز در دشت این شهرستان، در مناطق شهری، باغات، مزارع و مراتع خوب شکل‌گرفته است. این زمین‌ها، از زمینه‌ای مساعد با قابلیت کشاورزی در شهرستان درگز هستند. زمین‌های فوق، بیش از ۹۲ درصد زمین‌های محوطه‌های اشکانی درگز را تشکیل می‌دهد. بر این اساس، می‌توان با احتیاط از مساعد بودن بستر زمین‌های دشت درگز برای کشاورزی سخن گفت. هرچند این عامل باید در کنار منابع آب و شیب دشت درگز ارزیابی و تحلیل گردد. به نظر می‌رسد با توجه به قرار گرفتن

بخش عمده‌ای از محوطه‌های اشکانی درگز در دشت این شهرستان و با توجه به رودخانه‌های دائمی این شهرستان، احتمالاً اقتصاد بخش عمده‌ای از این محوطه مبتنی بر کشاورزی بوده است. شیب دشت درگز نیز همان‌گونه که در ادامه اشاره می‌گردد، برای کشاورزی نیز بسیار مساعد می‌باشد. لذا می‌توان احتمال داد اقتصاد محوطه‌های اشکانی درگز تا حد قابل توجهی مبتنی بر کشاورزی بوده است. مساعد بودن زمین‌های دشت درگز، به همراه غنای مناطق کوهپایه و کوهستانی، به نحو ضمنی نشان‌دهنده مساعد بودن بستر دامداری در این شهرستان است. لذا می‌توان دامداری و کشاورزی را دو منبع مهم تأمین اقتصاد ساکنان اشکانی درگز به حساب آورد. با این حال اظهار نظر صریح و دقیق در این رابطه تنها با کاوش‌های گسترده در محوطه‌های اشکانی این شهرستان و داده‌های باستان‌شناسی مرتبط با این نوع اقتصاد امکان‌پذیر است (نقشه ۴ و نمودار ۳).

در مبحث عوامل مؤثر در پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی این محوطه‌ها، جاده‌های ارتباطی است. محوطه‌های تاریخی بعضاً در مجاور جاده‌های ارتباطی اصلی شکل گرفته‌اند. این نقش ارتباطی یکی از عوامل مهم تأمین اقتصاد ساکنان این شهرها و روستایی بین‌راهی است. ۴۱ محوطه (۴۹,۳ درصد) از ۸۵ محوطه اشکانی درگز در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری، ۲۱ محوطه (۲۵,۳ درصد) در فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰ متری، ۸ محوطه در فاصله ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ متری، ۳ محوطه (۳,۶ درصد) در فاصله ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری، ۳ محوطه در فاصله ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ متری، ۲ محوطه در فاصله ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ متری و ۷ محوطه در فاصله بیشتر از ۳۰۰۰ متری جاده‌های اصلی ارتباطی قرار گرفته است. بر این اساس می‌توان از نقش برجسته جاده‌های ارتباطی در الگوی پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز سخن گفت. تقریباً نیمی از محوطه‌های اشکانی این شهرستان (۴۱ محوطه) در فاصله کمتر از ۵۰۰ متری جاده‌های ارتباطی شکل گرفته‌اند. این مورد نشان‌دهنده نقش برجسته جاده‌های ارتباطی در شکل‌گیری و نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز است. جاده‌های ارتباطی این شهرستان نیز از دشت درگز عبور کرده و در شکل‌گیری و پراکندگی این محوطه‌ها نقش قابل توجهی داشته است. جالب آنکه بیش از نیمی از محوطه‌های باقیمانده نیز (۲۱ محوطه) در فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ متری جاده‌های ارتباطی امروزی واقع شده است. این مورد نیز تأکید مجددی بر نقش راه‌های ارتباطی در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز است. جاده موسوم به خراسان بزرگ در زمان اشکانیان شکوفا و به یکی از مهم‌ترین جاده‌های ارتباطی و تجاری شرق باستان تبدیل گردید. یکی از مهم‌ترین معابر این جاده، آسیای مرکزی بوده است. خراسان بزرگ نیز دروازه ورودی این جاده تجاری ارتباطی به مرکز فلات ایران بوده است. شهرستان درگز نیز به واسطه موقعیت استراتژیک آن، یکی از دروازه‌های ورودی و یکی از مناطق عبور جاده خراسان بزرگ بوده است. شاید بدین دلیل، بخش عمده‌ای از محوطه‌های اشکانی درگز در مجاور و کمتر از ۱۰۰۰ متری جاده ارتباطی واقع شده است. روی هم رفته، جاده‌های ارتباطی را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری و نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز محسوب نمود (نقشه ۵ و نمودار ۴).

از دیگر عوامل بالقوه مؤثر در نحوه پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز، شیب و جهت آن است. از ۸۵ محوطه اشکانی شناسایی شده در درگز، ۶۷ محوطه (۷۹,۲ درصد) در شیب ۰ تا ۳ درجه، ۱۰ محوطه (۱۲,۴ درصد) در شیب بین ۳ تا ۶ درجه، ۵ محوطه (۶,۰ درصد) در شیب بین ۶ تا ۱۰ درجه، ۲ محوطه (۲,۴ درصد)

در شیب ۱۰ تا ۲۵ درجه و ۱ محوطه (۱,۲ درصد) در شیب بالای ۲۵ درجه واقع شده است. همان‌گونه که اشاره گردید اغلب محوطه‌های اشکانی درگز در شیب ۰ تا ۳ درجه واقع شده است. این درجه شیب، شیب مناسب زمین برای ایجاد سکونتگاه‌های انسانی است. این شیب عموماً در دشت درگز دیده‌شده و هر چه از این بخش شهرستان به سمت مناطق کوهپایه‌ای حرکت کنیم به شیب زمین اضافه‌شده و تعداد محوطه‌ها کمتر می‌گردد. در شیب بین ۳ تا ۶ درجه، ۱۰ محوطه دیده می‌شود. تعداد محوطه‌ها در شیب‌های بیشتر کمتر می‌شود. بدین ترتیب که در شیب‌های ۶ تا ۱۰ درجه تنها ۵ محوطه و در شیب ۱۰ تا ۲۵ درجه ۲ محوطه و در شیب بالای ۲۵ درجه تنها یک محوطه دیده می‌شود. لذا بین شیب زمین و تعداد محوطه‌ها ارتباط مستقیم و معکوسی وجود دارد. در جهت شیب زمین نیز تفاوت‌هایی بین محوطه‌ها دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این عامل به نسبت دیگر عوامل، تأثیر کمتر و فرعی‌تری در نحوه پراکندگی محوطه‌ها داشته است. جهت شیب محوطه‌های اشکانی درگز به‌قرار زیر است: ۷ محوطه در جهت شمالی، ۲۴ محوطه در جهت شمال شرقی، ۲۳ محوطه در جهت شرقی، ۱۴ محوطه در جهت جنوب شرقی، ۳ محوطه در جهت جنوبی، ۲ محوطه در جهت جنوب غربی، ۵ محوطه در جهت غربی، ۴ محوطه در جهت شمال غربی و ۳ محوطه در سطوح صاف زمین و بدون جهت ایجاد گردیده است. بر اساس مورد فوق، بیشتر محوطه‌های اشکانی درگز در جهت شیب‌های شمال شرقی، شرقی و جنوب شرقی واقع شده است. احتمالاً این مورد بی‌ارتباط با جذب حداکثری نور خورشید نبوده است (نقشه ۶ و ۷ و نمودار ۵ و ۶). در مجموع، از میان عوامل محیطی، نزدیکی به منابع آب و جاده‌های ارتباطی، به نسبت دیگر متغیرهای محیطی، در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز تأثیر بیشتری داشته است. از ۸۵ محوطه شناسایی‌شده در درگز، ۶۱ محوطه در فاصله کمتر از ۱۰۰۰ متری منابع آب قرار گرفته است. به‌علاوه، ۶۲ محوطه نیز در فاصله کمتر از ۱۰۰۰ متری جاده‌های اصلی ارتباطی واقع گردیده است. دیگر عوامل محیطی به نسبت دو عامل فوق، تأثیر کمتری در پراکندگی محوطه‌های اشکانی درگز داشته است.

۵. خوشه‌بندی و تعیین الگوی مکان مرکزی استقرارها

یکی از روش‌های مؤثر در تحلیل محوطه‌ها و استخراج اطلاعات از بررسی‌های باستان‌شناسی، روش تحلیل خوشه‌ای است. یکی از وجوه بارز این روش، فهم رابطه بین محیط‌زیست و محوطه‌های باستانی و تعیین خروجی از آن‌ها بر اساس تفاوت‌های زیست‌محیطی است. در این روش، با قراردادن محوطه‌ها در الگوهای زیست‌محیطی متفاوت در یک پهن‌دشت، تفاوت‌های زیست‌محیطی بارز شده و در قالب خوشه‌های جداگانه، مشخص می‌گردد. این مورد با این هدف انجام می‌گیرد تا بر اساس وجوه مشترک محیطی، خوشه‌های مشترک به دست آید. بر این اساس، اصل بنیادی خوشه‌بندی، وجوه مشترک بین خوشه‌ها است (اکبری و زاهدی، ۱۳۸۷: ۲۵۷). با توجه به ارتباط محوطه‌ها با الگوهای زیستی، با این روش می‌توان الگوهای مشابه زیستی و حتی مرزهای مشابه و متفاوت فرهنگی را مشخص و پیشنهاد نمود (علیزاده، ۱۳۸۶: ۱۹۴). یکی از اصول مهم تحلیل خوشه‌ای، استخراج وجوه تشابه و تمایز خوشه‌ها است. این مهم اغلب توسط عوامل محیطی مشخص می‌گردد. بر این اساس، محوطه‌های اشکانی درگز بر مبنای وسعت محوطه‌ها ارائه گردیده و با تلفیق متغیرهای محیطی مؤثر در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها، خوشه‌بندی و الگوهای خوشه‌ها بیان می‌گردد.

مبنای این خوشه‌بندی‌ها، اصل نزدیک‌ترین همسایه به همراه متغیرهای محیطی است. در ادامه با ترکیب داده‌های باستان‌شناسی و متغیرهای محیطی، خوشه‌بندی محوطه و الگوی مکان مرکزی محوطه‌های اشکانی درگز بیان و تشریح می‌گردد. بر این اساس، محوطه‌های اشکانی دشت درگز به سه خوشه اصلی *A*، *B* و *C* تقسیم می‌شود (نقشه ۸ الی ۱۰ و نمودار ۷ الی ۱۱).

۵-۱. خوشه *A*

این خوشه مشتمل بر محوطه‌های کوچک روستایی پیرامون یک محوطه مرکزی شهرمانند است. محوطه مرکزی این خوشه شهرتپه است. شهرتپه با مساحتی بالغ بر ۷۰ هکتار، وسیع‌ترین محوطه اشکانی درگز است. ۳۷ محوطه از ۸۵ محوطه اشکانی درگز را می‌توان در بافت محیطی مرتبط با شهرتپه ارزیابی نمود. شش محوطه از این ۳۷ محوطه مشتمل بر گندلی تپه، توغان تپه، نوروزتپه، محوطه و تپه اولیا، تپه امامزاده اولیا و تپه ذوالفقاری، مجاورت شهرتپه شکل گرفته‌اند که الگوی هسته-پیرامون را در ذهن تداعی می‌کنند. این محوطه‌ها به‌واسطه وسعت کم، به نظر محوطه‌های اقماری پیرامون شهرتپه هستند و کاربری آن‌ها را نیز می‌توان با اندکی تسامح، در ارتباط با شهرتپه ارزیابی نمود (نمودار ۷). دیگر محوطه‌های اشکانی خوشه *A*، به نظر روستاهای پیرامون شهرتپه هستند. از نقطه‌نظر متغیرهای محیطی، این محوطه‌ها اغلب در دشت درگز پراکنده شده و کمتر از ۶ درجه شیب دارند. نزدیکی این محوطه‌ها به منابع آب و راه‌های ارتباطی، به‌واسطه قرارگیری در دشت درگز، دیگر وجه مشترک محوطه‌های اشکانی خوشه *A* است. محوطه‌های خوشه *A* اغلب در دشت پایین دست رشته کوه الله‌اکبر و هزار مسجد پراکنده شده و منابع آب آن‌ها، اغلب از این رشته‌کوه‌ها تأمین می‌شود. کوه‌های قرقر واقع در مرکز شهرستان درگز، ناهمواری طبیعی با جهت ساختاری شرقی-غربی است که دو خوشه پیشنهادی *A* و *B* را از هم جدا کرده است.

۵-۲. خوشه *B*

مشخصات این خوشه تا حدودی با خوشه *A* همسان است. با این اختلاف که محوطه مرکزی این خوشه، با خوشه فوق متفاوت است. این خوشه محوطه‌های کوچک روستا مانند پیرامون محوطه توقی با ۴۸ هکتار وسعت است. این محوطه بعد از شهرتپه، دومین محوطه وسیع اشکانی درگز است. از ۸۵ محوطه اشکانی درگز، ۲۹ محوطه درون این خوشه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد از محوطه‌های خوشه *B*، تنها تپه برج، قراول تپه و قره نهه را می‌توان با احتیاط محوطه‌های اقماری توقی لحاظ نمود. دیگر محوطه‌های اشکانی این خوشه، بیشتر متأثر از راه‌های ارتباطی و منابع آب شکل گرفته و پراکنده شده‌اند. بر این اساس به نظر نمی‌توان الگوی هسته-پیرامون را در ارتباط با توقی و محوطه‌های خوشه *B* به کار برد. این محوطه‌ها که همگی در دشت درگز واقع شده‌اند، احتمالاً سکونتگاه‌های روستایی بوده‌اند (نمودار ۸). از منظر متغیرهای محیطی، این محوطه‌ها در دشت درگز واقع شده و شیب آن‌ها کمتر از ۶ درجه است. این محوطه‌ها همانند محوطه‌های خوشه *A*، در نزدیکی راه‌های ارتباطی و منابع آب شکل گرفته و پراکنده شده‌اند. محوطه‌های این خوشه در دشت حدفاصل کوه‌های قرقر، زرین کوه و هزارمسجد، در پایین دست این رشته‌کوه‌ها پراکنده شده‌اند. بخش عمده‌ای از منابع آب این خوشه، از کوه‌های هزارمسجد سرچشمه گرفته و به ترکمنستان می‌ریزد (رودخانه

درون‌گر). همان‌گونه که قبل‌تر نیز اشاره شد، کوه‌های قرقر در مرکز دشت درگز، ناهمواری طبیعی با جهت ساختاری شرقی-غربی است که دو خوشه پیشنهادی A و B را از هم جدا می‌کند.

۵-۳. خوشه C

جدا از دو خوشه A و B ، با محوطه‌های مرکزی شهرتپه و توقی، خوشه دیگری را برای محوطه‌های اشکانی درگز می‌توان پیشنهاد نمود. این خوشه برای آن دسته از محوطه‌های اشکانی پیشنهاد می‌گردد که در حاشیه و مناطق پیرامونی واقع شده‌اند و فاصله مکانی و تفاوت محیطی معناداری با دو خوشه A و B دارد. ۱۷ محوطه از ۸۵ محوطه اشکانی درگز در این خوشه قرار می‌گیرند. این محوطه‌ها عموماً در مناطق کوهپایه‌ای شهرستان واقع شده‌اند و به این دلیل دارای شیب بیشتری به نسبت محوطه‌های دو خوشه فوق هستند. این محوطه‌ها به نحو کمتری از الگوی شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها در ارتباط با جاده‌های ارتباطی و منابع آب تبعیت می‌کنند. به نظر می‌رسد برخی از محوطه‌های این خوشه را بتوان محوطه‌هایی مرتبط با جوامع کوچ‌رو هم‌زمان با اشکانیان تلقی نمود. در تأیید این مدعا، می‌توان از دو محوطه این خوشه، تپه دودانلو و زلزله خراب نام برد که احتمالاً گورستان‌هایی مرتبط با جوامع کوچ‌رو هستند. نبود محوطه‌های سکونتگاهی در مجاور این گورستان‌ها، تا حد زیادی فرض ارتباط آن‌ها با جوامع کوچ‌رو را ثابت می‌کند. دیگر محوطه‌های اشکانی این خوشه نیز یا بر روی محوطه‌هایی بدون لایه فرهنگی شکل گرفته‌اند و یا به دلیل تفاوت محیطی شکل‌گیری محوطه‌ها و فاصله مکانی با محوطه‌های دو خوشه A و B ، درون خوشه‌ای جداگانه ارزیابی گردیده‌اند. آن دسته از محوطه‌های این خوشه که در دشت درگز پراکنده شده‌اند، به دلیل تفاوت مکانی با محوطه‌های دو خوشه، درون این خوشه قرار گرفته‌اند. بعضی از محوطه‌های این خوشه نیز در مناطق کوهپایه‌ای درگز شکل گرفته و پراکنده شده‌اند. منابع آب و جاده‌های ارتباطی در شکل‌گیری محوطه‌های واقع در دشت این خوشه تأثیرگذار بوده است. این در حالی است که این عوامل، در پراکندگی محوطه‌های اشکانی مناطق کوهپایه‌ای درگز تأثیر چندانی نداشته است. محوطه‌های این گروه هم در شیب زیر ۶ درجه و هم در شیب بالای ۶ درجه ایجاد شده‌اند. لازم به ذکر است محوطه‌های کوهپایه‌ای این خوشه، همگی در دامنه دو رشته کوه الله‌اکبر و هزار مسجد شکل گرفته‌اند.

۶. اهمیت شهرتپه و توقی در مطالعات باستان‌شناسی دوره اشکانی

در بررسی‌های باستان‌شناسی شهرستان، با استناد به قطعات سفال، ۸۵ محوطه از دوره اشکانی شناسایی شده است (تصویر ۱ و ۲). از بین این محوطه‌ها، دو محوطه شهرتپه و توقی به ترتیب با ۷۰ و ۴۸ هکتار، وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی این منطقه محسوب می‌شوند. بر این اساس در خوشه‌بندی این محوطه‌ها، با مبنا قرار دادن فاکتور وسعت، دو محوطه شهرتپه و توقی، محوطه‌های مرکزی دو خوشه A و B پیشنهاد گردید. این مورد از این منظر حائز اهمیت است که می‌توان از این دو محوطه به‌عنوان دو شهر احتمالی در دوره اشکانی نام برد. با توجه به نزدیکی شهر تپه و توقی به ترکمنستان و داده‌های باستان‌شناسی یافت شده از بررسی و کاوش‌های باستان‌شناسی، می‌توان با احتیاط این دو محوطه را به‌عنوان دو شهر اوایل دوره اشکانی پیشنهاد نمود. چه اینکه برخی محققان گمان می‌کنند مکان شهر اوایل اشکانی دارا را احتمالاً می‌بایست در حوالی درگز جستجو نمود (Tomaschek, 1896: 2682; Wiesehöfer, 2004: 409; اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۱: ۳۵۱-۳۵۰؛ رجبی، ۱۳۸۱: ۶۵؛

گوتشمید، ۱۳۸۲: ۵۷-۵۶؛ شیپمان، ۱۳۸۴: ۱۹). شهرتپه نسبت به دیگر محوطه‌های اشکانی دشت درگز بیشتر مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفته و اطلاعات بیشتری از آن در دست است. این محوطه مشتمل بر یک حصار خشتی مستطیل شکل است که به وسیله خندق پیرامونی مستحکم‌تر شده است. در بخش مرکزی محوطه، برجستگی تپه ماندی دیده می‌شود که گمان می‌رود ارگ محوطه بوده است. به علاوه در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه، بقایای آثار شاخصی از دوره اشکانی یافت شده است. آجرهای منقوش که هم در بررسی و هم در کاوش باستان‌شناسی محوطه یافت شده است قابل مقایسه با آجرهای منقوش نسا است (Turco et al., 2015: 375-280). به علاوه، چند ظرف سالم سفالی از دوره اشکانی از کاوش‌های باستان‌شناسی این محوطه یافت شده است (نامی، ۱۳۹۵). در بخش شمال شرقی محوطه نیز مقادیر فراوان جوش‌کوره، به همراه تعدادی سرباره و شیشه دفرمه شده یافت شد که محدوده صنعتی محوطه را نشان می‌دهد (نامی، ۱۳۹۵: ۱۰۹-۱۲۵). این موارد که به اختصار بدان پرداخته شد، به خوبی اهمیت و جایگاه شهرتپه را در تاریخ اوایل دوره اشکانی نشان می‌دهد.

چنین مطالعاتی هیچ‌گاه در محوطه توقی انجام نگرفته است. با این حال، بررسی سطح محوطه نشان می‌دهد این محوطه نیز همانند شهرتپه، از مراکز مهم اشکانی در شمال شرق ایران فرهنگی است. به رغم تخریب بخش‌های شمالی و جنوبی محوطه توسط رودخانه درونگر، و تخریب و تسطیح دیگر بخش‌های محوطه، هنوز می‌توان آثار حصار را در بخش‌های شمالی و غربی به خوبی مشاهده نمود. به علاوه، با استناد به تراکم قطعات سفال در برجستگی بخش غربی محوطه، این بخش به عنوان ارگ شهر پیشنهاد می‌گردد. در بخش شرقی محوطه نیز بقایای یک ساختار معماری با پلان مستطیل شکل قابل مشاهده است (نامی، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۰). تا پیش از کاوش‌های باستان‌شناسی، نمی‌توان راجع به کاربری این ساختار اظهار نظر دقیقی ارائه نمود. بقایای آثار معماری به صورت پراکنده در دیگر بخش‌های محوطه نیز دیده می‌شود. با این حال تا انجام کاوش‌های گسترده باستان‌شناسی هنوز نمی‌توان از جایگاه توقی در باستان‌شناسی دوره اشکانی اظهار نظر دقیقی ارائه نمود.

۷. نتیجه

شهرستان درگز به واسطه نزدیکی به ترکمنستان و محوطه نسا، یکی از مناطق بالقوه مهم تاریخ اشکانیان محسوب می‌گردد. شناسایی ۸۵ محوطه اشکانی در بررسی باستان‌شناسی این شهرستان، نشان‌دهنده شکوفایی درگز، هم‌زمان با این دوره مهم تاریخ ایران است. این محوطه‌ها اغلب در دشت درگز شکل گرفته و عوامل محیطی مشتمل بر منابع آب و جاده‌های ارتباطی بیشترین نقش را در شکل‌گیری و پراکندگی محوطه‌ها داشته است. در بررسی باستان‌شناسی نگارندگان در شهرستان درگز، وسعت تقریبی محوطه‌ها نیز محاسبه گردید تا بر اساس آن بتوان الگوی مکان مرکزی محوطه‌ها را نیز استخراج نمود. به علاوه، با قراردادن محوطه‌ها در بافت محیطی شهرستان و با در نظر گرفتن وسعت محوطه‌ها، محوطه‌های اشکانی این شهرستان در سه خوشه متفاوت پیشنهاد و ارائه گردید. اولین خوشه که به نام خوشه A نام‌گذاری گردید، معرف ۳۷ محوطه اشکانی با محوریت محوطه شهرتپه است. شهرتپه با ۷۰ هکتار وسعت، محوطه مرکزی این خوشه است. دیگر محوطه‌های اشکانی این خوشه نیز محوطه‌های استقرار کوچکی به نظر می‌رسند که در شعاع محیطی یکسان با شهرتپه و در پیرامون آن واقع گردیده‌اند. رشته‌کوه‌های قرقر مانع طبیعی میان این خوشه و خوشه

B در نظر گرفته شده است. دومین خوشه پیشنهادی محوطه‌های اشکانی درگز، خوشه B است. این خوشه معرف ۲۹ محوطه اشکانی درگز با مرکزیت محوطه توقی با ۴۸ هکتار وسعت است. این خوشه نیز همانند خوشه قبلی، مراکز کوچک روستامانند پیرامون محوطه مرکزی (توقی) را نشان می‌دهد. در کنار دو خوشه A و B ، خوشه C معرف آخرین دسته از محوطه‌های شهرستان درگز است که در نواحی کوهپایه‌ای و جدا افتاده این شهرستان واقع شده‌اند. این محوطه‌ها، یا محوطه‌های کوچک روستامانند هستند و یا محوطه‌های مربوط به جوامع کوچرو. وجود دو قبرستان دودانلو و زلزله خراب در این خوشه که هر دو در مناطق کوهپایه‌ای واقع شده‌اند و هیچ محوطه سکونتگاهی در نزدیکی آن‌ها دیده نمی‌شود، نشان‌دهنده ارتباط برخی از محوطه‌های این خوشه با جوامع کوچرو هم‌زمان با اشکانی است.

شهرتپه و توقی به‌عنوان محوطه‌های مرکزی دو خوشه A و B ، وسیع‌ترین محوطه‌های اشکانی درگز هستند. شواهد باستان‌شناسی دو محوطه شهرتپه و توقی نشان می‌دهد این محوطه‌ها از مهم‌ترین محوطه‌های اشکانی دشت درگز بوده و احتمالاً در بین محوطه‌های اشکانی درگز، نقش مرکزی داشته است. با استناد به بررسی باستان‌شناسی شهرتپه و داده‌های یافت شده از دو فصل کاوش باستان‌شناسی در این محوطه، می‌توان از شهرتپه به‌عنوان یکی از محوطه‌های مهم اوایل تاریخ اشکانیان و حتی محوطه‌ای هم‌پایه با نسا یادکرد. شواهد باستان‌شناسی محوطه، مشتمل بر ۷۰ هکتار وسعت، یک حصار سراسری، خندق پیرامون، وجود یک منطقه صنعتی، کشف ظروف سفالی و آجرهای منقوش اشکانی، همگی نشان‌دهنده اهمیت این محوطه و جایگاه آن در تاریخ دوره اشکانی است. به‌واسطه همین اهمیت بعضاً از این محوطه به‌عنوان یکی از محوطه‌های احتمالی معرف دارا یاد می‌شود. از طرف دیگر بررسی باستان‌شناسی محوطه توقی نیز نشان می‌دهد این محوطه با ۴۸ هکتار وسعت، آثار حصار، ارگ و بقایای دیگر ساختارهای معماری، از مراکز مهم اشکانیان در شمال شرق ایران فرهنگی بوده است.

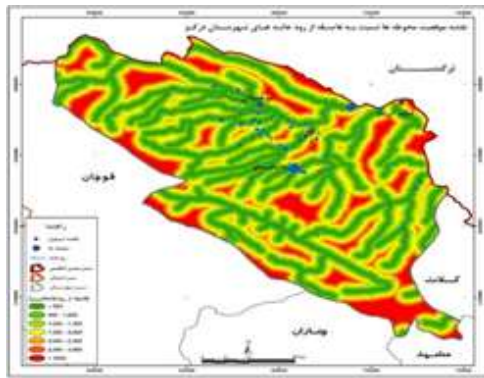
پیوست‌ها



نقشه ۲: نقشه تغییرات ارتفاعی شهرستان درگز و مکان محوطه‌ها نسبت به آن (نقشه از نگارندگان).



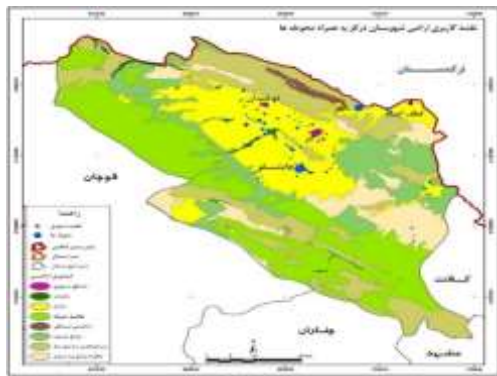
نقشه ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی درگز در ایران و استان خراسان رضوی (نقشه از نگارندگان).



نقشه ۳: موقعیت محوطه‌ها نسبت به فاصله از رودخانه‌های شهرستان درگز (نقشه از نگارندگان).



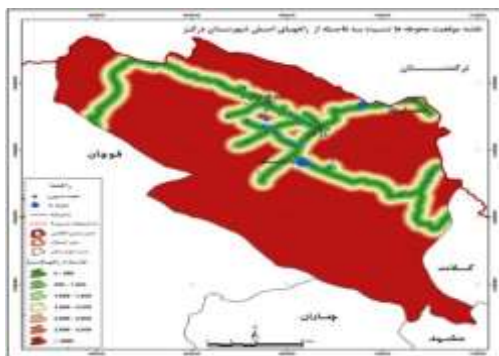
نمودار ۱: نمودار تغییرات ارتفاعی محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز.



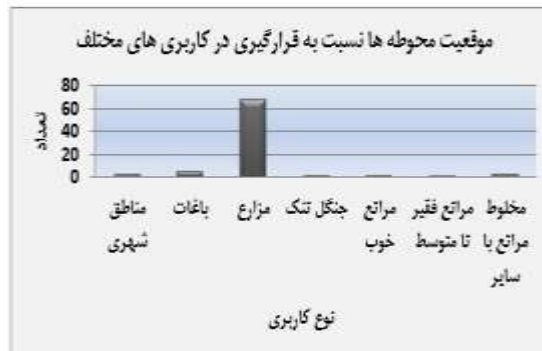
نقشه ۴: موقعیت محوطه‌ها نسبت به قرارگیری در کاربری‌های مختلف اراضی (نقشه از نگارندگان).



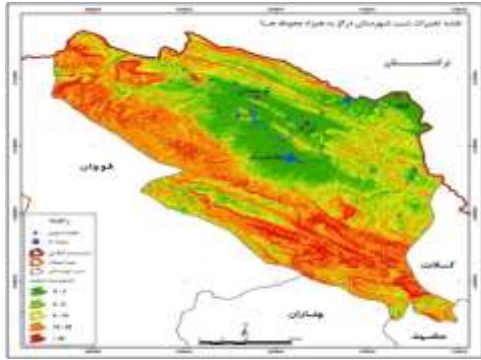
نمودار ۲: نمودار فاصله محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز نسبت به رودخانه‌ها.



نقشه ۵: موقعیت محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز نسبت به فاصله از راه‌های اصلی (نقشه از نگارندگان).



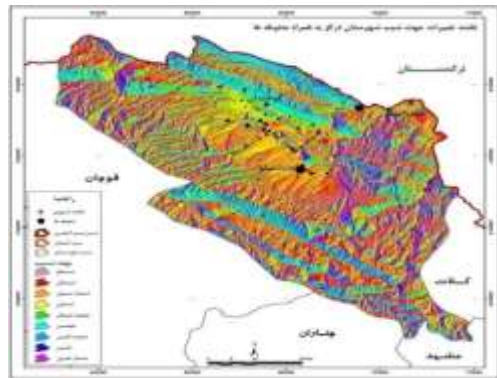
نمودار ۳: نمودار تعداد محوطه‌ها نسبت به نوع کاربری اراضی



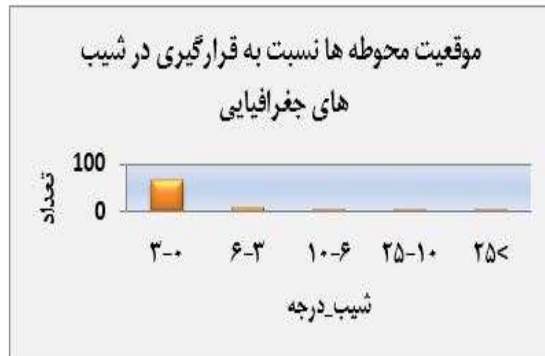
نقشه ۶: نقشه تغییرات شیب محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز به همراه محوطه‌ها (نقشه از نگارندگان).



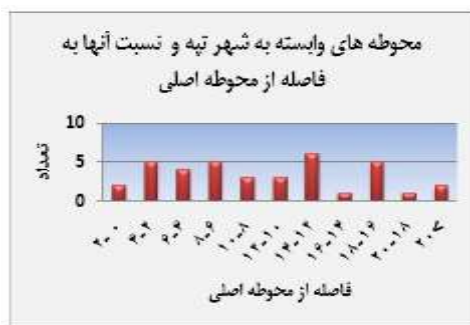
نمودار ۴: نمودار فاصله تعداد محوطه‌های اشکانی درگز نسبت به فاصله از راه‌های اصلی



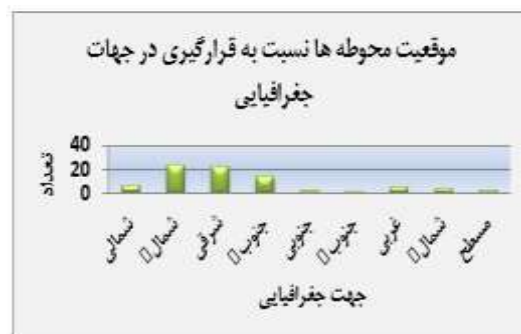
نقشه ۷: نقشه تغییرات جهت شیب محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز به همراه محوطه‌ها (نقشه از نگارندگان).



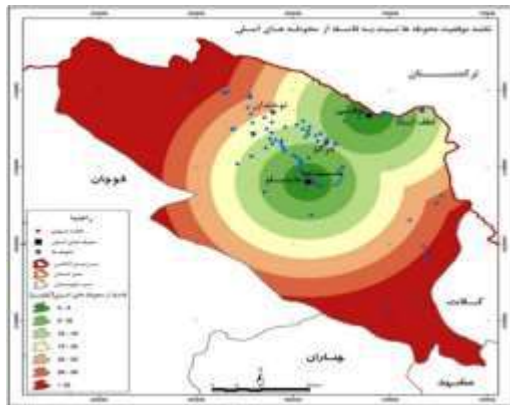
نمودار ۵: نمودار تغییرات جهت شیب محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز به همراه محوطه‌ها



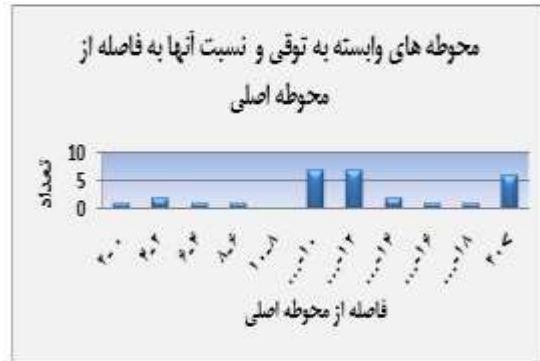
نمودار شماره ۷: نمودار فاصله محوطه‌های خوشه A از محوطه شهر تپه به کیلومتر



نمودار ۶: نمودار موقعیت محوطه‌ها نسبت به قرارگیری در جهات جغرافیایی



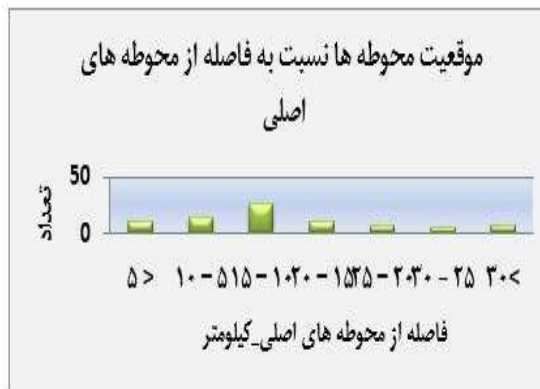
نقشه شماره ۸: نقشه موقعیت محوطه‌ها نسبت به فاصله از محوطه‌های اصلی (نقشه از نگارندگان).



نمودار شماره ۸: نمودار فاصله محوطه‌های خوشه B از محوطه توقی به کیلومتر



نقشه شماره ۹: نقشه تقسیم‌بندی فضا از لحاظ دوری و نزدیکی به محوطه‌های اصلی و موقعیت سایر محوطه‌ها نسبت به آن (نقشه از نگارندگان).



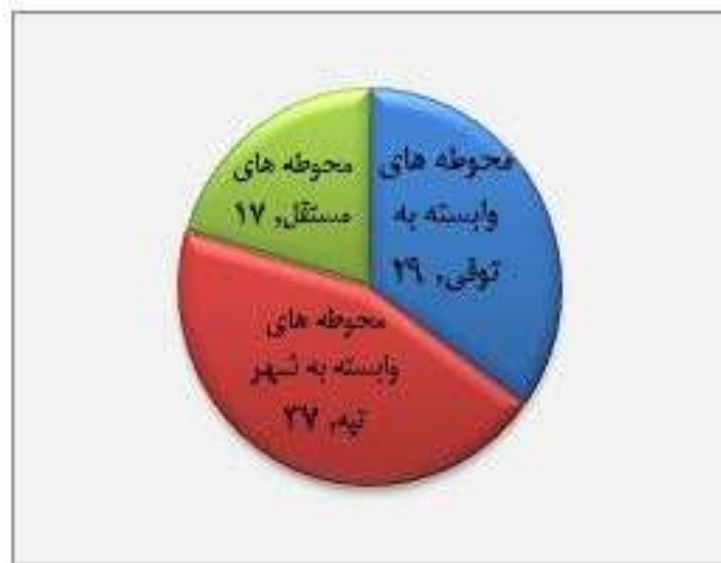
نمودار شماره ۹: نمودار موقعیت محوطه‌ها نسبت به فاصله از محوطه‌های اصلی



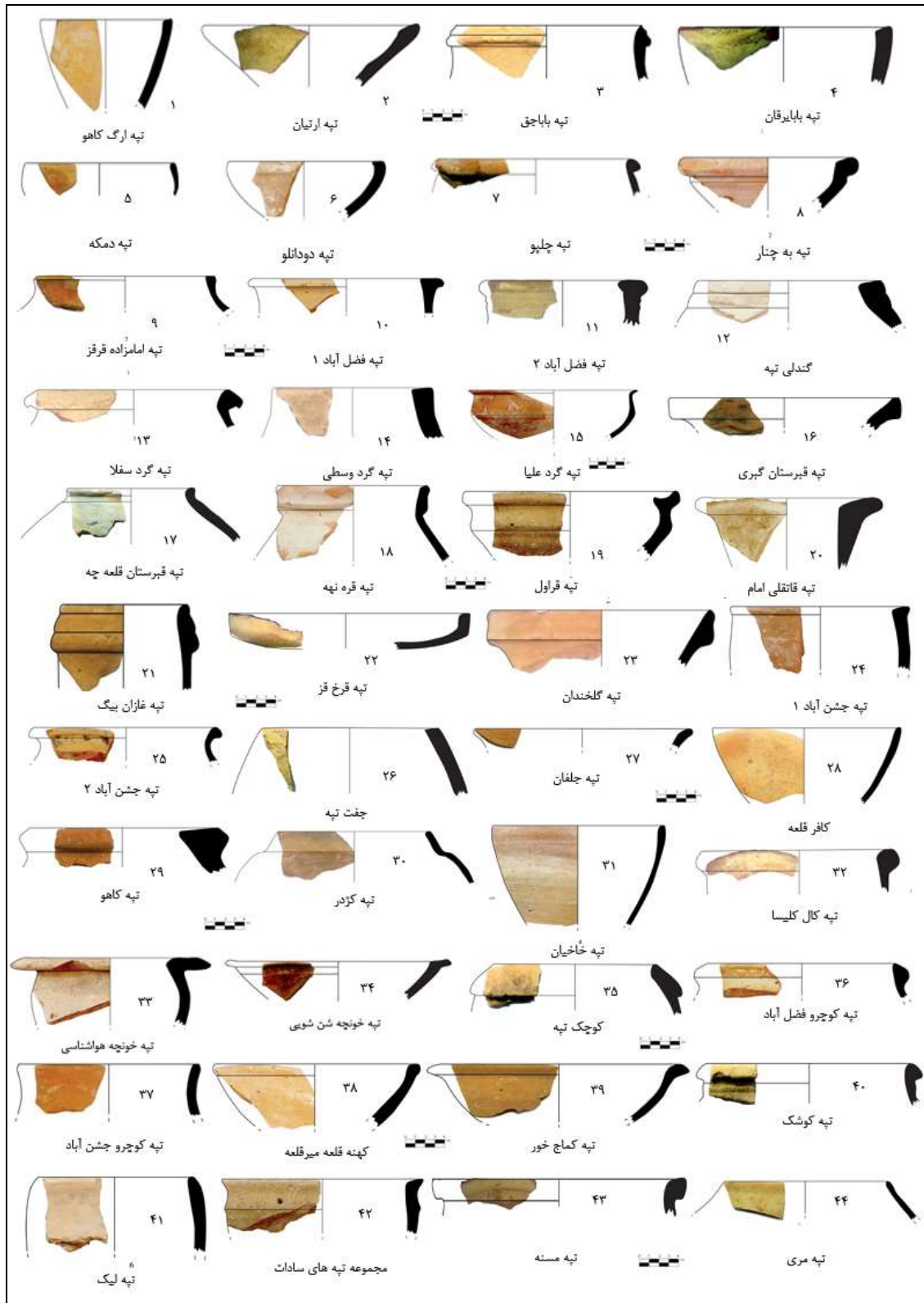
نقشه شماره ۱۰: نقشه خوشه‌بندی محوطه‌های اشکانی شهرستان درگز (نقشه از نگارندگان).



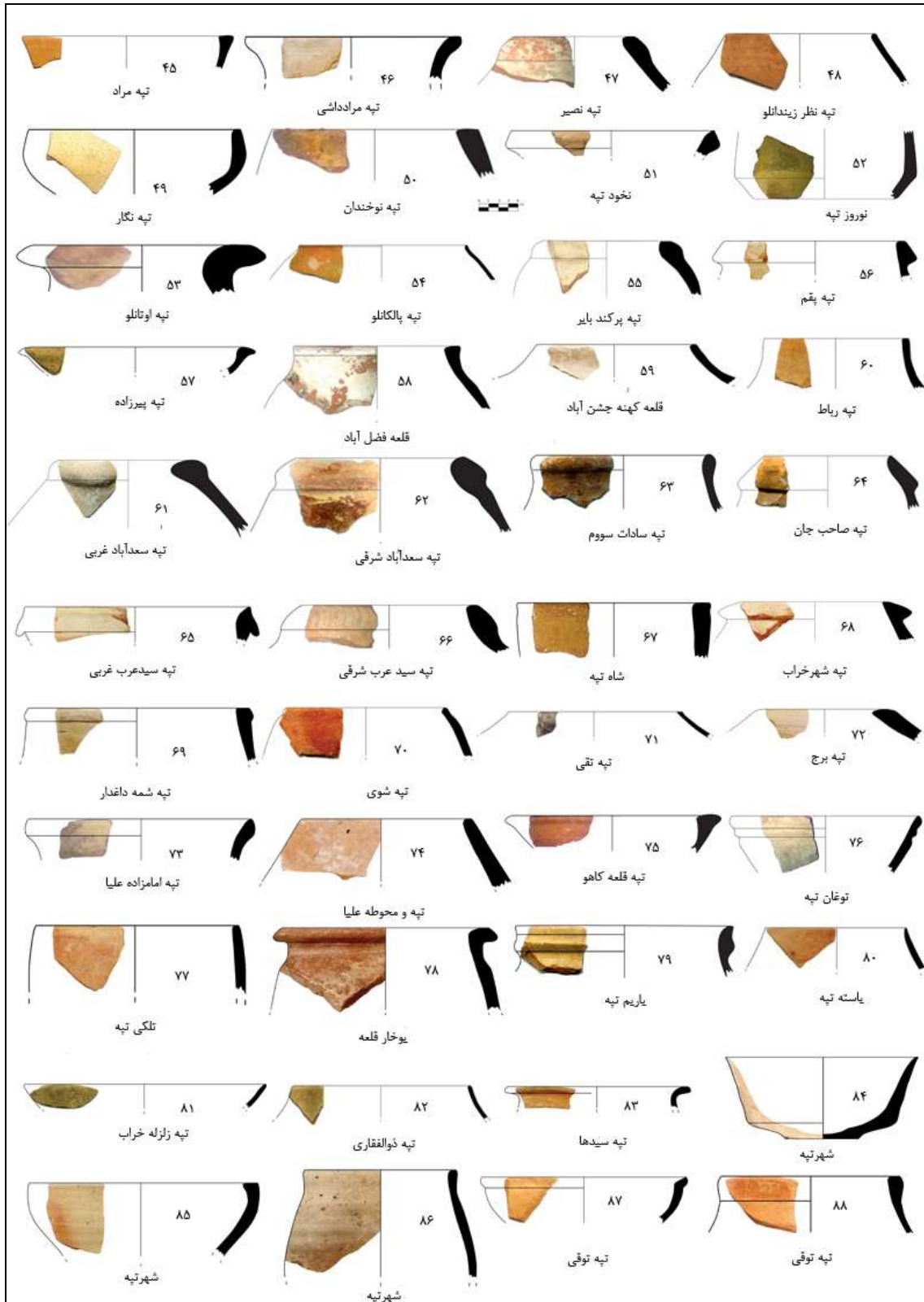
نمودار شماره ۱۰: نمودار تقسیم‌بندی محوطه‌ها به لحاظ فاصله از محوطه اصلی



نمودار شماره ۱۱: نمودار تقسیم‌بندی محوطه‌ها به لحاظ فاصله از محوطه اصلی و مستقل‌ها



تصویر ۱: تصویر برخی قطعات سفال محوطه‌های اشکانی درگز (تصویر از نگارندگان).



تصویر ۲: تصویر برخی قطعات سفال محوطه‌های اشکانی درگز (تصویر از نگارندگان).

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، ۱۳۷۱، *دراستیجان فی تاریخ بنی اشکان*، به کوشش نعمت احمدی، اطلس، بیجا.
- اکبری، نعمت‌الله و کیوان زاهدی، ۱۳۸۷، کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری‌های چند شاخصه، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- باقی زاده، سعید، ۱۳۹۱، بررسی و مطالعه الگوهای پراکنش پیش‌ازتاریخ دشت درگز از دوران نوسنگی تا پایان عصر آن IV، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر روح‌الله یوسفی زشک، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، رشته باستان‌شناسی.
- بختیاری شهری، محمود، ۱۳۷۵، گزارش مقدماتی: بررسی و شناسایی آثار باستانی شهرستان درگز، مرحله اول، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، منتشرنشده.
- بویل، جی آ، ۱۳۶۸، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، ج ۳، ترجمه حسن انوشه، چاپ اول، امیرکبیر، تهران.
- خادمیان، کاظم، ۱۳۸۰، فرهنگ جغرافیایی *ایران خراسان*، انتشارات آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- خسروزاده، علیرضا، ۱۳۸۶، گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان بردسیر، فصل اول، پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشرنشده، تهران.
- دبواز، نیلسون، ۱۳۴۲، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، چاپ اول، نشر این‌سینا، تهران.
- دیاکونف، ۱۳۵۱، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، چاپ اول، نشر پیام، تهران.
- رابینسون، چارلز الگزاندر، ۱۳۷۰، *تاریخ باستان*، ترجمه اسماعیل دولت‌شاهی، چاپ اول، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران.
- رجبی، پرویز، ۱۳۸۱، *هزاره‌های گشمنده، اشکانیان (پارت‌ها)*، جلد چهارم، نشر توس، تهران.
- شیپمان، کلاوس، ۱۳۸۴، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، ققنوس، تهران.
- علیزاده، عباس، ۱۳۸۶، *تئوری و عمل در باستان‌شناسی*، انتشارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، تهران.
- فرهنگ آبادی‌های کشور، ۱۳۶۵، مرکز آمار ایران، تهران.
- گاراژیان، عمران، ۱۳۷۷، بررسی باستان‌شناختی محل‌های پیش‌ازتاریخی حاشیه رودخانه درونگر واقع در شمال شرق استان خراسان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر حسن طلایی، دانشگاه تربیت مدرس، گروه باستان‌شناسی.
- گوتشمید، آلفرد، ۱۳۸۲، *تاریخ ایران و ملل هم‌جوار (از اسکندر تا انقراض اشکانیان)*، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ اول، نشر علمی، تهران.
- گیرشمن، رومن، ۱۳۶۴، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چاپ سوم، نشر علمی فرهنگی، تهران.
- لباف خانیکی، رجبعلی، ۱۳۸۷، به یاد نگهبان، سهم دکتر نگهبان در باستان‌شناسی خراسان، مجله *باستان‌شناسی و تاریخ*، شماره ۴۵: ۹۹-۱۰۳.
- مترجم، عباس، ۱۳۸۷، *بررسی و تحلیل الگوهای استقرار دوره مفرغ قدیم در دشت‌های پیرامون کوهستان الوند-همدان*، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر کمال‌الدین نیکنامی، دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی.
- نامی، حسن، ۱۳۹۵، *بررسی باستان‌شناسی محوطه‌های اشکانی دشت درگز با تکیه بر نتایج کاوش شهرتپه چاپشلو*، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر بهمن فیروزمندی، دانشگاه تهران، گروه باستان‌شناسی.
- نامی، حسن، ۱۳۹۵، *گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه شهرتپه چاپشلو*، آرشو سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان خراسان رضوی، منتشرنشده.
- نگهبان، عزت‌الله، ۱۳۴۵، *گزارش بررسی آثار باستانی شمال شرق ایران*، آرشو پژوهشکده باستان‌شناسی، منتشرنشده.
- هرینک، ارنی، ۱۳۷۶، *سفال ایران در دوره اشکانی*، ترجمه حمیده چوبک، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- ویسهوفر، یوزف، ۱۳۷۷، *ایران باستان*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، نشر ققنوس، تهران.
- یوسفی زشک، روح‌الله و سعید باقی زاده، ۱۳۹۱، کاربرد سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی در تحلیل الگوی استقرار: مطالعه موردی محوطه‌های دشت درگز از دوره نوسنگی تا پایان عصر آن IV، *نامه باستان‌شناسی*، شماره ۲، دوره دوم: ۲۴-۷.
- Basafa, H., 2008. A New perspective on Dambakoh site in south East Iran, *Iranica Antiqua XLIII*: 185-204.
- Bernard, P., 1967. Ai Khanum on the Oxus: A Hellenistic city in Central Asia, *PBA* 53: 71-95.

- Bivar, A., David, H., 1972. *Cavalry equipment and tactics on the Euphrates frontier*, *Dumbarton Oaks Papers* 26: 271-91.
- Cellerino, A., 2008. *La ceramica*. in: Invernizzi, A., Lippolis, C. (eds.), *Nisa Partica. ricerche nel complesso monumentale Arsacide. monografie di Mesopotamia IX. Le Lettere, Firenze*, pp. 197-209.
- Dupree, L., 1958. *Shamshir Ghar: historic cave site in Kandahar province Afghanistan*, New York, *The American Museum of Natural History*.
- Frankfort, H., 1927. *Studies in early pottery of the Near East. II. Asia, Europe and the Aegean, and their earliest interrelations*, London, *Royal Anthropological Institute*.
- Kleiss, W., 1970. *Zur topographie des Parther Hanges in Bistun*, *AMI* 3:133-168.
- Kohl, Ph., Dennis L. Heskell., 1980. *Archaeological reconnaissance in the Darreh Gaz Plain: a short report*, *Iran* 18: 160-172.
- Napier G. C., Kazi S.A., 1876. *Extracts from a diary of a tour in Khorassan and notes on the eastern Alburz tract; with notes on the Yomut Tribe*, *Journal of the Royal Geographical Society of London* 46: 62-171.
- Potts D.T., Roustaie, K., Petrie. K., Weeks, L.R., 2006. *The Mamasani archaeological project stage one: a report on the first two seasons of the ICAR-University of Sydney expedition to the Mamasani District, Fars Province, Iran*. Tehran: *Iranian Center for Archaeological Research*.
- Rahbar, M., 1998. *Decouverte d'un monument d'Époque Sassanide Á Bandian, Dargaz (Nord Khorassan) fouilles 1994 et 1995*, *Studia Iranica* 27 (2): 213-250.
- Rawlinson, S. H., 1879. *The road to Merv*, *Proceedings of the Royal Geographical Society and Monthly Record of Geography* 1(3): 161-191.
- Tomaschek, W., 1896, *apavortene. P-WRE, bd. II, S.*
- Turco, F., Davit, P., Borghi, A., Bruno, J., Lippolis, C., Operti, L., 2015. *Multi-technique characterization of various artefacts and raw materials from old Nisa (Turkmenistan): a preliminary study*. *Journal of Archaeological Science*: 5: 372-382.
- Wheeler, S. M., 1962. *Charsada*, London, *Oxford University Press*.
- Wiesehöfer, J., 2004. *Communicators between east and west: The Parthians*, in: T. Stoellner; S. Rainer & V. Abdolrasool (eds.), *Persiens antike pracht. Deutsches Bergbau-Museum Bochum, Germany*, pp. 408-41.
- Usmanova, ZI., 1963. *Erk-Kala (based on the materials of STACE 1955-1959)*, *TUTAKE (ТЮТАКЭ)* XI: 20-94.
- , 2004. *Le monument Sassanide de Bandian, Dargaz, un temple du feu d'après les dernières découvertes 1996-98*, *Studia Iranica* 33 (1): 7-30.
- , 2007. *A tower of silence of the Sasanian period at Bandiyan, some observations about Dakhmas in Zoroastrian religion*, in: J. Cribb & G. Herrmann (eds.), *after alexander, Central Asia before Islam, Proceedings of The British Academy*, pp. 133: 455-473.